



سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۴ پاییز ۱۴۰۳

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی شهرها و کشورها در مقامات حمیدی

سهراب سعیدی^۱، دکتر زیبا قلاوندی^۲، دکتر امید روستا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۷۸ تا ص ۹۸)

doi: [10.22034/caat.2024.446641.1080](https://doi.org/10.22034/caat.2024.446641.1080)

چکیده

مقامات حمیدی یکی از کتاب‌های منشور فنی ادبیات فارسی است که قاضی حمیدالدین در قرن ششم آن را در ۲۴ مقامه نگاشته است. یکی از محتویات این کتاب که در این پژوهش شایان توجه است، ذکر نام کشورها و شهرهاست؛ البته بعضی از آن شهرها و مکان‌ها تغییر نام داده و بعضی دیگر از سرزمین پهناور ما جدا شده‌اند؛ از این رو پرداختن به ذکر نام شهرها و کشورها و جغرافیای شهری در این کتاب به لحاظ اسناد تاریخی سرزمین پهناور ما پراهمیت است. این پژوهش با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه به معرفی مکان‌های جغرافیایی اشاره شده در مقامات حمیدی می‌پردازد. باید گفت که مطالب جغرافیایی در مقامات حمیدی نسبت به کتاب‌هایی چون *المسالک و الممالک* اهمیت کمتری دارد؛ اما پرداختن بدان شهرها و کشورها چه واقعیت خارجی داشته باشد و چه محصول ذوق و ذهن خلاق نویسنده باشد، خالی از لطف نیست. هدف اصلی مقاله پیش رو معرفی شهرها، کشورها و مکان‌های ذکر شده در مقامات قاضی حمیدالدین است؛ چرا که کتاب‌های ادبی به نوبه خود بستری مناسب را برای تحلیل و بررسی جنبه‌های متفاوتی از آثار ادبی فراهم می‌سازند. بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد مکان‌های جغرافیایی مانند فلسطین، چین، سوریه و عراق که امروزه از نظر سیاسی برای کشور ما مهم است، در این کتاب از نگاه نویسنده دور مانده است.

واژه‌های کلیدی: مقامات حمیدی، شهرها، کشورها، جغرافیای شهری، قاضی حمیدالدین

^۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول) // sohrab_minab@yahoo.com

^۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران // ziba.ghalavandi@gmail.com

^۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ایران // omidroosta.722@gmail.com



۱. مقدمه

جغرافیا یکی از دانش‌هایی است که در متن‌های فارسی کاربرد داشته است. بیشتر نویسندگان و شاعران به مکان‌های خاص جغرافیایی اشاره کرده‌اند که به لحاظ موقعیت و تاریخ مهم‌اند و اطلاعات گرانبهایی را در اختیار ما قرار می‌دهند؛ از این رو نقش ادبیات کلاسیک، تاریخ و جغرافیا یکسان می‌شود و هر سه دانش در حفظ گوشه‌های پهناور کشورمان نقش آفرینی کرده‌اند و چه بسا شعری به‌عنوان سند تاریخی، نقشه جغرافیایی سرزمینی را مشخص کند.

مقامات حمیدی برای علم جغرافیا نگاشته نشده است؛ اما می‌توان اطلاعات پربهایی را درباره مکان‌های جغرافیایی و شهرها از آن استخراج کرد. در این مجال به بررسی شهرها، کشورها و جغرافیایی شهری اشاره شده در این اثر ارجمند می‌پردازیم؛ البته درباره برخی از شهرهایی که مقامات به نام آن‌ها اشاره کرده است، هیچ‌گونه اطلاعات جغرافیایی دیده نمی‌شود و در بین بعضی از پژوهشگران اتفاق نظر است که نویسندگان این نوع کتاب‌های ادبی که بیشتر آن‌ها را برای سرگرمی و بیان نکته‌های بلاغی و بدیهه‌گویی و اظهار نوا در خلق کرده‌اند، همه را بر مبنای فرضیات و تخیلات نوشته‌اند؛ همچنین گمان می‌رود که قاضی حمیدالدین نیز بعضی از شهرهایی را که از آن‌ها در مقامات نام برده است، ندیده و بدانجا سفر نکرده است و فقط برای سرگرمی در هر مجلس مطالبی از زبان قهرمانی که آن هم وجود خارجی نداشته، بیان کرده است. به بعضی از شهرها نیز، آن‌طور که خود قاضی بلخ ذکر کرده است، مسافرت کرده و با اهل فضل و ادب، شیوخ و پیران سنی آن شهرها گفت‌وگو و مصاحبت داشته است. این مقاله شهرهای نام‌برده در مقامات را چه وجود خارجی داشته و چه نداشته و چه مؤلف بدانجا سفر کرده یا نکرده باشد، بررسی می‌کند تا مشخص شود که ذهن خلاق قاضی حمیدالدین چگونه این شهرها را پدید آورده یا با چه مشقتی رنج سفر را به تن خریده است.

۱.۱. بیان مسئله

در متن‌های کهن ایران، نخستین اشاره‌های مرتبط با شناخت جای‌ها را در *اوستا* می‌توان یافت. در *اوستا* درباره کشورها و اقلیم‌ها سخن رفته است. در دیگر کتاب‌های مزدایی چون *بندهشن* و *مینیوی خرد* این سنت اوستایی دنبال شده است. افزون بر این «دانش ایرانیان در باب جای‌های زمین در کتابی به نام *شهرهای ایران آمده است*» (فرشاد، ۱۳۵۵: ۲۳۴). خوشبختانه در ایران کتاب‌هایی به‌جا مانده است که می‌توان هم از آن‌ها مطالب تاریخی و جغرافیایی استخراج کرد و هم آن‌ها را از نظر ادبی بررسی کرد. یکی از این کتاب‌های ارجمند *مقامات حمیدی* است که قاضی حمیدالدین بلخی در آن به بعضی از شهرها، کشورها، پیشه‌ها و آداب اجتماعی اشاره کرده است.

۲.۱. پیشینه تحقیق

درباره *مقامات حمیدی* چند مقاله نوشته شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. «بررسی تطبیقی درون‌مایه‌ها و مضامین عرفانی در *مقامات حمیدی* و *گلستان سعدی*» نوشته هدیه فناخره و دیگران در شماره ۵۵ فصلنامه علمی *عرفان اسلامی* در زمستان ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. در ۱۳۹۵ محمدرضا نجاریان و دیگران مقاله



«بررسی تطبیقی عناصر داستان سمرقند در مقامات حریری و مقامات حمیدی» را در شماره ۳۸ مجله ادبیات تطبیقی چاپ کرده‌اند. ریحانه صادقی و احمد خواجه ایم در ۱۳۹۹ مقاله پژوهشی «تازه در جلوه‌های تأثیرپذیری از آیات قرآنی در مقامات حمیدی» را در شماره ۷ مجله قند پارسی چاپ کرده است. مرتضی حسینی در ۱۳۹۷ مقاله «مأخذ ابیات و عبارات عربی مقامات حمیدی» را در شماره ۲ نشریه ادب عربی چاپ کرده است. الناز خجسته و حسین فقیهی در ۱۳۹۷ مقاله «نقد کهن‌الگویی پیر خردمند در مقامات حمیدی» را در شماره ۷۸ مجله متن پژوهشی ادبی منتشر کرده‌اند. «بررسی تطبیقی سبک ادبی در مقامات حریری و حمیدی» عنوان مقاله دیگری است که حسن دادخواه و لیلا جمشیدی در شماره ۵۳ مجله پژوهش‌نامه علوم انسانی چاپ کرده‌اند. «بررسی تأثیر تعلیمی معنای ضمنی و صریح افعال در کلیله و دمنه و مقامات حمیدی» عنوان مقاله دیگری است که اشرف شیبانی مقدم در ۱۳۹۴ در شماره ۲۷ پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی چاپ کرده است. فائزه عرب یوسف‌آبادی و دیگران مقاله «فرامتنیت در مقامات حمیدی» را در ۱۳۹۲ در شماره ۱ مجله ادبیات تطبیقی چاپ کرده‌اند. راضیه آزاد در ۱۳۸۸ مقاله «روایت‌شناسی مقامات حمیدی بر اساس نظریه تئو دورف» را در شماره ۲۵ پژوهش‌های ادبی چاپ کرده است. اسماعیل شفق در ۱۳۹۴ در شماره ۱ مجله فنون ادبی با عنوان «بررسی ساختارشناختی مقامات حمیدی و گلستان سعدی» مقاله‌ای منتشر کرده است؛ اما در حوزه شهرها و جغرافیای شهری در مقامات حمیدی هیچ پژوهشی انجام نشده است و این مقاله در این خصوص پیشگام است.

۳.۱. هدف، روش و سؤال تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوا و ابزار کار کتابخانه است. در این پژوهش عبارت‌هایی که در آن اسم شهرها، کشورها و منطقه‌های جغرافیایی ذکر شده است، بررسی می‌شود و در نهایت به این سؤال پاسخ می‌دهیم که شهرها و کشورها در مقامات حمیدی چه جایگاهی دارند؟ آیا نویسندگان به همه شهرها و کشورهایی که در مقامات اسم برده، سفر کرده است؟

۲. بحث اصلی و تحلیل

«مقامات جمع مقامه، به معنی جای ایستادن است. شاعران دوره جاهلیت آن را به معنی مجلس و محل اجتماع قبیله به کار برده‌اند. بعد از اسلام مقامه مترادف با مکان و مجلس یعنی جایی که در آن هستند یا نشسته‌اند، به کار رفته است و سپس به خطبه و موعظه‌ای که در مکانی ایراد می‌شد، اطلاق می‌گردید؛ همچنین به جماعتی که در مجلسی گرد هم می‌آمدند، مجلس یا مقامه می‌گفتند» (غنی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۴).

از جنبه داستانی، مقامات عبارت است از داستان‌های کوتاه و مستقل که یگانه وجه ارتباط آن‌ها با یکدیگر راوی واحد است. قاضی حمیدالدین با حکایت‌پردازی قصد هدایت اخلاقی و تربیتی و اجتماعی داشته است؛ از این رو «محتوای حکایت‌های او شامل رسوم کشورداری، لشکرکشی، بازرگانی، عدالت، سیرت نیکو، احوال و کرامات بزرگان دینی، مفاهیم عرفانی و دینی و حکایت‌های واقعی یا تاریخی است» (بلخی، ۱۳۷۲: ۵۸۳).

قاضی بلخی مترصد فرصت و بهانه‌ای است تا به توصیف‌های شاعرانه بپردازد. «گاه رشته کلام را به



دست گرفته و چند سطر «افول ستارگان» و «شب‌شدن» یا «طلوع خورشید» و «رواشدن» می‌نویسد؛ تا آنجا که سخن به اطناب می‌کشد. گاه مفهومی در وصف خورشید و ستارگان، در آمیخته با نثر و نظم، در مقامات حمیدی چندین صفحه را به خود اختصاص می‌دهد» (رستگار، ۱۳۷۳: ۵۳).

مضمون عبارت مقامات حمیدی را بیشتر از اندیشه‌ای که از تجربه مؤلف گرفته می‌شود، می‌توان دریافت. «اندیشه‌ای که خود زندگی در اختیار او نهاده است» (میرصادقی، ۱۳۵۷: ۲۵). خواننده مقامات گاه وسوسه می‌شود که به مضمون‌های این کتاب از دیدگاه جامعه‌شناسی بنگرد. گاه هم از جهت تاریخی و جغرافیایی آگاهی‌هایی به دست می‌دهد؛ از این رو پرداختن به جغرافیا، نام مکان‌ها، کشورها و شهرها از هدف‌های این مقاله است.

۱.۲. شهرها در مقامات حمیدی

کتاب مقامات حمیدی یکی از کتاب‌های مهم ادبی است که علاوه بر مفهوم‌ها و مباحث‌های زیباشناسی ادبی، نثر آن آگاهی و شناخت ما را در خصوص بعضی از شهرها و کشورها افزایش می‌دهد. از این رو مطالعه آن از این نظر هم حائز اهمیت است. شهرهایی که در مقامات حمیدی به آن‌ها اشاره شده است، دو گونه‌اند: بعضی از شهرها مثل اصفهان، خراسان، همدان، دامغان، کرمان، آمل، ساری، کاشان، خوزستان، اهواز، نیشابور و طبرستان در داخل خاک ایران هستند و بعضی از شهرها هم‌اکنون در کشوری دیگر واقع شده‌اند؛ مثل بلخ، یثرب، طائف، حجاز، بدخشان، هرات، کشمیر، قندهار، دمشق، سرانندیپ و کرخ ارمنیه.

ما در اینجا متن این کتاب را به لحاظ اینکه نام این شهرها در آن ذکر شده است، بررسی می‌کنیم. شهرهایی که هم‌اکنون نیز وجود دارند؛ بدون توجه به اینکه مؤلف به همه شهرهایی که نام برده، سفر کرده یا آن‌ها را دیده و از آن‌ها اطلاعاتی داشته است یا نه. این موضوع مهم است که در بلخ قاضی‌ای می‌زیسته که تحصیلات ادبی داشته و علاوه بر قضاوت به ادبیات هم علاقه‌مند بوده و به آن آگاهی داشته است؛ البته حتی اگر مؤلف مقامات حمیدی اسم شهرها را برای سجع‌پردازی یا سرگرمی و هنرنمایی در متنش آورده باشد، باز هم این نکته مهم است و نشان می‌دهد که آن شهر در آن عصر چندان مهم بوده که آوازه آن به کسانی که بدانجا سفر نکرده‌اند نیز رسیده است؛ بنابراین این کتاب نیز جنبه مهم بودن تعدادی از شهرها را در فراسوی تاریخ نمایان می‌کند.

۱.۱.۲. شهرهایی که هم‌اکنون در خاک ایران‌اند

بعضی از شهرهایی که نویسنده مقامات حمیدی بدان‌ها پرداخته است، مثل خراسان، دامغان، اصفهان، همدان، کرمان، کاشان، اهواز، طبرستان و نیشابور هم‌اینک در خاک ایران هستند. البته بعضی از آن شهرها تغییر نام داده‌اند و بعضی دیگر با همان نام‌ها از قدیم تا هم‌اکنون ملنده‌اند. در این میان شهر کرمان که هم‌اکنون نیز با همین نام خوانده می‌شود، در بین شهرهای ایرانی به کاررفته در مقامات حمیدی بیشترین بسامد را دارد.

۱.۱.۱.۲. خراسان:

«در سودای جوانی شب و روز کردم و عزیمت سفری در خاطر پیروز کردم. از خراسان روی به کاشان نهادم.



دلی پرترب و سری پرتلب» (همان، ۱۴۹).

«چه در بلاد خراسان چه در سواد حَبَش چه خیر از آنکه در این رسته نقل عرضه کنی» (همان،

۳۲)

قاضی حمیدالدین در خصوص خراسان علاوه بر ذکر همسایه‌های آن، به شهرت آن دیار نیز اشاره می‌کند. مؤلف بلخی مقامات اشاره می‌کند که از خراسان به دامغان و کاشان هم سفر کرده است؛ یعنی بعضی از اطلاعات جغرافیایی را از طریق مسافرت و طی مسیرها با ادوات سفر پُرمشقت در آن روزگاران کسب کرده است.

۲.۱.۱.۲. دامغان:

«با چنین یاران کاری و دوستان غاری راه می‌سپردم و منزل می‌شمردم تا رسیدم به سرحدّ خراسان که نامش دامغان است» (همان، ۹۴).

قاضی حمیدالدین دربارهٔ دامغان هم اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد. آن را سرحدّ خراسان می‌داند که منزل به منزل شمرده تا به آن شهر رسیده است.

۳.۱.۱.۲. اصفهان:

«چون آن عزم جزم شد، با رفیقی چند به اصفهان شدم و به وقتی که نزول آفتاب در شتاب دلوک بود و شب در ثياب سوک، با رفیقان بی‌توشه به گوشه‌ای باز شدم و یعقوب‌وار در بیت‌الاحزان نیاز شدم» (همان، ۱۱۳). «چون راحله طلب بر ادهم شب نهادم و مخدرهٔ دوامی را لب بر لب نهادم و روی به خطهٔ عراق آوردم، ابتدا از شهر اصفهان کردم که مناقب آن شهر مشهور بسیار شنوده بودم و در سوی آن بسیار غنوده بودم» (همان، ۱۹۷).

قاضی بلخ، اصفهان را شهری مشهور معرفی می‌کند که مردی روحانی که در علم طبابت نیز قدمی مبارک دارد و دمی متبرک، در آن زندگی می‌کند. قاضی حمیدالدین آن‌طور که اشاره می‌کند، با عده‌ای از دوستانش به اصفهان سفر می‌کند که طی سفر با مشکلات و گرفتاری‌هایی نیز روبه‌رو می‌شود.

۴.۱.۱.۲. همدان:

«شنیده را به دیده مخمّر می‌کردم و اسمار را به اختبار مسمّر می‌کردم تا به شهر همدان پای‌افزار غربت بیرون کردم و عزم اقامت و سکون کردم» (همان، ۱۴۲).

همدان نیز یکی از شهرهای ایران است که چند قرن پیش قاضی حمیدالدین در کتاب ارجمندش از شهرت آن سخن رانده است. همدان آن روزگار در نگاه قاضی بلخ شهری است مشهور به علم و ادب، فضل و هنر و انواع پیران راه که وجودشان سبب شهرت آن شهر شده است.

۵.۱.۱.۲. کرمان:

«این صدفی است که به عمان آورده‌ای و این زیره‌ای است که به کرمان کشیده‌ای. به کدام لغت خواهی که جواب این سؤالات بشنوی» (همان، ۱۲۲).

«پس چون شقاشق شیخ کرمانی در دقایق و حقایق علم ابدان به‌طریق سیل و مدّ به سر آمد و جوش و خروش اهل استماع و حلقهٔ اجتماع بدان پیوست، پیر یونانی پیشتر آمد و پیر کرمانی را در بر گرفت» (همان، ۱۳۸۷).



کرمان یکی از شهرهایی است که در مقامات حمیدی علاوه بر ذکر ضرب‌المثل «زیره به کرمان بردن» در خصوص آن و ذکر نام آن شهر در موضوع‌های دیگر، در قسمت‌هایی هم از حضور مستقیم مؤلف بلخی کتاب مقامات در آن شهر حکایت می‌کند و معلوم است که در همه‌جا ذکر شهرها برای سرگرمی نیامده است. مؤلف مقامات به وجود پیران اشاره‌هایی کرده است. البته گاه مراد از ذکر پیر، پیران طریقت و مراد از عارفان پیران عقلی بوده است که در مقامات هم به‌مانند دیگر متن‌ها «بزرگی به عقل است نه به سال»؛ پیر عقلی بر پیر سنی برتری دارد.

در واقع قاضی حمیدالدین در کتابش به پیر عقلی که می‌تواند جوان باشد و هوش و ذکاوت بیشتری داشته باشد و همین‌طور به منجمان و طبیبان نیز توجه کرده است و به نظر می‌رسد که برای افراد علمی جامعه احترام خاصی قائل بوده است. قاضی بلخ گاه علاوه بر ذکر افراد علمی و مشهور شهرها به شیوخ و پیران دینی نیز اشاره‌هایی کرده است و هرگاه به شهری سفر کرده، با افراد علمی و دینی دم‌خور شده است؛ همچنین شهرها را با وجود این افراد که ارزش شهر را می‌افزایند و سبب نام و آوازه و شهرت آن‌ها می‌شوند، معرفی می‌کند. او مقام ادب، هنر، علم و فضل را ارج می‌نهد و برای آن رحمت و اعتبار خاصی قائل است.

۶.۱.۱.۲. آمل و ساری:

«در وقتی که عالم چنین رنگ و بوی داشت و قدم همت جست‌وجوی داشت، اتفاقاً را مجتاز و طاری به آمل و ساری گذری کردم، نه بر وجه سکون و اقامت و نه بر عزم اطالت و ادا» (همان، ۱۳۳).

۷.۱.۱.۲. کاشان:

«در سودای جوانی شب و روز کردم و عزیمت سفری در خاطر پیروز کردم. از خراسان روی به کاشان نهادم. دلی پرطرب و سری پرطلب» (همان، ۱۴۹).

آن‌طور که از سطور مقامات حمیدی برمی‌آید، قاضی حمیدالدین با دلی پر نشاط و به هنگام جوانی از شهر کاشان دیدن نموده است.

۸.۱.۱.۲. خوزستان و اهواز:

«چون کأس شراب در هر کامی منزل کردم و از هر زمینی چیزی حاصل کردم تا چون راهی دراز بگردم، به بلاد خوزستان شهر اهواز رسیدم» (همان، ۱۵۵).

آنچه مسلم است اینکه در راهی دراز قاضی بلخ به خوزستان و اهواز نیز عزیمت کرده است؛ چراکه «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی».

۹.۱.۱.۲. نیشابور:

«جرب اغتراب بر دوش نهادم و رخت مسافران در آغوش گرفتم. دل را بر شداید سفر صبور کردم و روی حرکت به شهر نیشابور آوردم» (همان، ۲۰۳).

نیشابور نیز از شهرهای موردعلاقه قاضی بلخ است که در کتاب ارجمند مقامات حمیدی‌اش، علاوه بر ذکر احوال مردمان، پیشه‌ها و آداب اجتماعی به سفرهای کوتاه خود به آن نیز اشاره کرده است. کتاب‌های مقامات و در کل مقامه‌ها، کتاب‌های جغرافیایی نیستند؛ اما با توجه به سوابق تاریخی و قدمت خود کتاب، اطلاعات اندکی که نویسنده گرامی در خصوص هنرمندان، ادیبان، شیوخ، پیران و مهم‌تر از همه، شهرها ارائه داده است، ما را در فضای



فکری، فرهنگی، سیاسی و علمی آن‌ها قرار می‌دهد تا بدانیم شهرهای کشورمان در قرن‌های گذشته چه جایگاه علمی، دینی، ادبی، سیاسی و اعتقادی‌ای داشته‌اند. آن شهرها چگونه بوده‌اند، چه آداب و رسومی داشته‌اند، با مسافر و غریبه چگونه برخورد می‌کرده‌اند، چه امکاناتی داشته‌اند و راه دسترسی و مسافرت به آن سرزمین‌ها چگونه بوده است. آیا امنیت در راه‌ها با توجه به فاصله شهرها و نوع حرکت و وسیله سفر فراهم بوده است. مسافران برای جابه‌جایی از شهری به شهر دیگر با چه مشکلاتی، علاوه بر فراهم کردن توشه و زاد، مواجه بوده‌اند؟

۲.۱.۲. شهرهایی که هم اکنون در خاک ایران نیستند

بعضی از شهرها که قاضی بلخ در *مقامات* حمیدی ذکر کرده است، هم‌اینک در قلمرو جغرافیایی کشور نیستند؛ اما بعضی از آن‌ها در ادبیات ما شهرت دارند و در شعر شاعران و نثر نویسندگان به‌عنوان شهرهای شاخص در زمینه‌های فرهنگی و ادبی آن دوران از آن‌ها یاد کرده‌اند. این شهرها عبارت‌اند از: بلخ، یثرب، طائف و حجاز، بدخشان، کشمیر، قندهار و... بلخ بیشترین تکرار را در بین شهرهای این دسته دارد و چون نویسنده کتاب اهل همان شهر بوده است، طبیعی است که بیشتر از آن شهر در متن *مقامات* یاد کند.

۱.۲.۱.۲. بلخ:

در کتاب *مقامات* حمیدی نیز به این شهر اشاره شده است: «اهل عجم از آن نکته‌های غریب بی‌نصیب‌اند و پارسیان از آن لغات عجیب، بی‌نصاب. فسانه بلخیان به لغت کرخیان خوش نیاید» (انزایی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۲۲).

«گه رای سوی خلخ و گه روی سوی بلخ
گه خوابگه به یثرب و گه آبخور به شام» (همان، ۲۵).

«یا أرض بلخ و یا روضات جنات
أروضه أنت أم أرض المسرات» (همان، ۱۵۵).

«عقیده آن‌که چون از سفر کرخ به محلات بلخ باز رسم، میخ خیمه اقامت، آهنین کنم و خلوت‌خانه لحد خاک آن زمین کنم» (همان، ۱۵۷).

۲.۲.۱.۲. یثرب:

«هر یک آنچه داشت، در میان نهاد و پیر جمله را در انبان نهاد و آفتاب‌وار روی سوی مغرب کرد و قصد دیار یثرب کرد» (همان، ۵۹).

«کی بود کاین هوس به دام آریم
راه یثرب به زیر گام آریم» (همان، ۹۴).

یثرب، یکی از مکان‌هایی است که در نثر *مقامات* آمده است؛ اما مؤلف صریح بیان نکرده که آیا بدان شهر سفر کرده است یا نه. آنچه ما به‌دنبال آن بودیم، ذکر نام شهرها، کشورها و مکان‌ها بود که اینجا به یثرب هم اشاره شده است؛ یعنی این شهر هم در نظر نویسنده بوده است که توانسته آن را در چند جای نثرش جای دهد.

۳.۲.۱.۲. طایف:

«تا بعد از آن‌که شربت‌های شداید چشیدم و صدمت‌های مکاید بکشیدم و خایب و خایف به شهر طایف رسیدم» (همان، ۲۵).

طایف یکی از شهرهای خوش‌آب‌وهوا در نگاه قاضی بلخ بوده است که البته با مکاید و سختی و تحمل رنج و ملالت به آن شهر رسیده و مدتی را در آنجا مانده است.



۴.۲.۱.۲. حجاز:

«چون از سفر حجاز بازگشتم، هم بر آن خطّه بگذشتم. پرسیدم که آن دیوانه هشیار و آن مجنون شیرین‌گفتار و عاشق خوش‌رفتار کجا شد و علت سودایی و مایه شیدایی او با او چه کرد؟» (همان، ۱۴۵).
قاضی حمیدالدین در متن مقامات اشاره می‌کند که از سفر حجاز برگشته است. در واقع حجاز چندین مرتبه در قلم نویسنده مقامات آمده است که گاه ذکر نام شهر با توضیح سفر مؤلف به آن همراه بوده است.

۵.۲.۱.۲. بدخشان:

«راست چو مرا دید، لعل بدخشان به درّ عمان سُبقت و بی آزر و شرم بگفت: شیخا، آتش دینه همچنان در زوایای سینه متمکن است» (همان، ۱۳۷).
بدخشان یکی از ناحیه‌هایی است که به علت شهرت سنگ‌های قیمتی آن، قاضی حمیدالدین در جایی مناسب از آن یاد کرده و بدخشان را به خاطر لعل‌های گرانبه‌اش ستوده است.

۶.۲.۱.۲. هرات:

«چون این شرح و تفضیل شنیدم و این ترجیح و تفضیل بدیدم، عزم غزو درست کردم و از هرات قصد ثبت کردم» (همان، ۴۰).
هرات و کشمیر از شهرهایی است که قاضی حمیدالدین از نزدیک آن جاها را دیده و به توصیف‌هایی از آن دو شهر پرداخته است.

۷.۲.۱.۲. کشمیر و قندهار: «وقتی در طیّ و نثر اوراق سفر و مدّ و جزر دریای خطر از دی و بهمن به نوروز و بهار رسیدم و زمام ناقه طلب به زمین کشمیر و قندهار کشیدم» (همان، ۵۴).
۸.۲.۱.۲. دمشق:

«تا در غلوی آن شوق و عشق نزول کردم به خطّه دمشق. شهری دیدم آراسته‌تر از سینه زاهدان و پیراسته‌تر از زلف شاهدان» (همان، ۷۸).

قاضی حمیدالدین دمشق را شهری آراسته و زیبا و بهشت روی زمین می‌داند که در آن دوران گردشگاه‌ها و ساختمان‌های زیبا داشته است. او از بازار دمشق خرید کرده است.
۹.۲.۱.۲. سرانندیب:

«چون به سرانندیب فرارسید، گفت به سر ولایت تو می‌روم» (همان، ۸۵).

۱۰.۲.۱.۲. کرخ:

«عقیده آن که چون از سفر کرخ به محلات بلخ باز رسم، میخ خیمه اقامت آهنین کنم و خلوتخانه لحد خاک آن زمین کنم» (همان، ۱۵۷).

«پس به وجه درخواست از چپ و راست گفتند: این را جفتی باید هم‌رنگ و یاری هم‌سنگ تا به دلالت خاطر این کرخی با بلخی جفت شود و این قطعه بر زبان گفت شود» (همان، ۱۹۴).

کرخ در زمان قاضی حمیدالدین دهی بوده است که مؤلف مقامات در مسیر بازگشت از سفرهایش از سفر کرخ به محلات بلخ رسیده است.



۱۱.۲.۱.۲. ارمنیه:

«تا به پیمودن منزل و سپردن آب و گل رسیدم به شهر ارمنیه» (همان، ۲۰۴).

۱۲.۲.۱.۲. طبرستان:

«پس گفت که این طشت در بازار دمشق خریده‌ام و این آیدستان به هزار دستان به دست آورده‌ام و این

دستار که پرستار در گردن دارد، از طرایف‌فروشان طبرستان خریده‌ام» (همان، ۷۲).

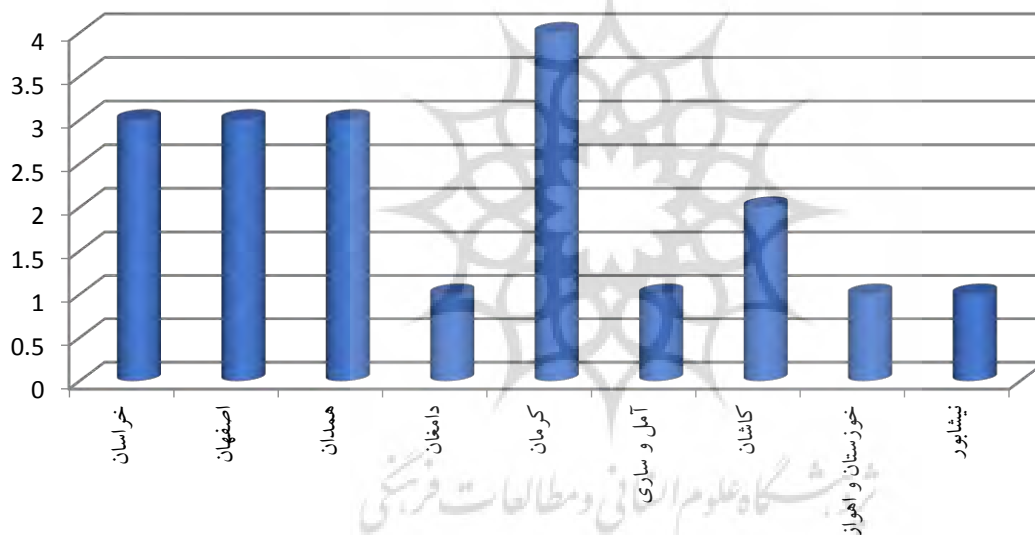
نمودار تکرار شهرهای در خاک ایران و شهرهای خارج از مرز فعلی ایران در مقامات حمیدی

ردیف	شهرهایی که هم‌اکنون در خاک ایران‌اند	مرتبه تکرار
۱	خراسان	۳
۲	اصفهان	۳
۳	همدان	۳
۴	دامغان	۱
۵	کرمان	۴
۵	آمل و ساری	۱
۷	کاشان	۲
۸	خوزستان و اهواز	۱
۹	نیشابور	۱
جمع کل تکرار شهرهای ایران		
۱۸		
ردیف	شهرهایی که هم‌اکنون در ایران نیستند	مرتبه تکرار
۱	بلخ	۱۱
۲	پشاور	۵
۳	طایف	۲
۴	حجاز	۵
۵	بدخشان	۱
۵	هرات	۱
۷	کشمیر و قندهار	۲
۸	دمشق	۵
۹	سراندیب	۱
۱۰	کرخ	۲
۱۱	ارمنیه	۱
۱۲	طبرستان	۱
جمع کل تکرار شهرهای خارج از خاک ایران		
۳۸		



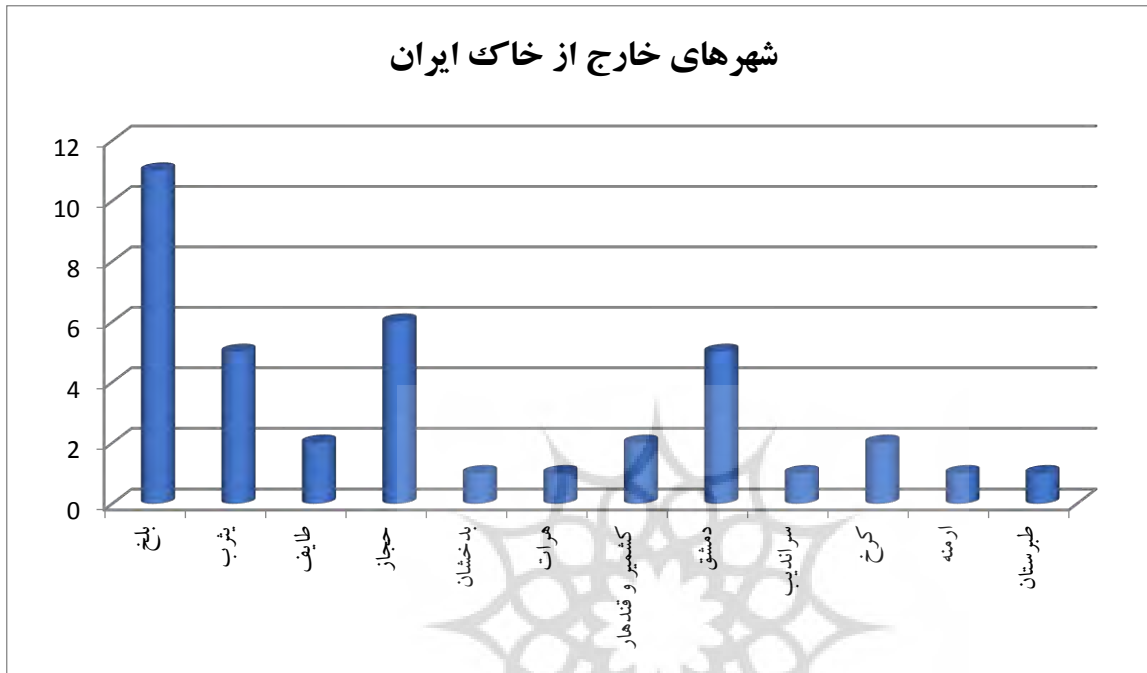
شهرهایی که در مقامات حمیدی بدان اشاره شده است، دو گونه به نظر می‌رسند. گونه‌ای از شهرها که قاضی حمیدالدین بدان سفر کرده، خرید داشته، با افراد عالم و هنرمند و فاضل و با افراد پیر دینی ملاقات کرده و از آب‌وهوای خوب یا بد آن‌ها سخن رانده است و گونه‌ی دوم شهرهایی است که قاضی بلخ اسم آن شهرها را ذکر کرده و اطلاعاتی در خصوص آن شهر از زبان دیگری شنیده یا فقط اسم شهر را به منظور سرگرمی مخاطب آورده است که البته ذکر همین مقدار هم سند تاریخی و جغرافیایی آن شهر خواهد بود و مهم است.

شهرهای خاک ایران





شهرهای خارج از خاک ایران



۲.۲. کشورها در مقامات حمیدی

علاوه بر ذکر نام شهرها، به بعضی از کشورها هم در مقامات حمیدی اشاره شده است که عبارت‌اند از: عراق، چین، آذربایجان، هند، مصر، فلسطین، سوریه، عمان، یمن و یونان که کشور عراق در این بین بیشتر تکرار شده است. ۱.۲.۲. عراق:

«وقتی از اوقات به حکم عوارض آفات با رفیقی اتفاق کردم و عزم سفر عراق کردم و خواستم که آن عزم باطل نشود» (همان، ۷۸).

«از کر و ثاق به سفر عراق رفته بودم و عزیمت حج اسلام و سفر شام داشتم. نخواستم که اقامت بلخ، قاطع آن مراد و حایل آن میعاد گردد» (همان، ۱۵۱).

قاضی حمیدالدین اشاره می‌کند که با رفیقی به کشور عراق مسافرت کرده است. خاطره‌ای را که دوست و هم‌سفرش در مسافرت به عراق حکایت کرده است نیز بیان می‌کند. گاه این سفر برای زیارت بوده است و گاهی هم گردش در آفاق به منظور کسب تجربه و دانش‌اندوزی.

به‌رحال آنچه مسلم است، در زمان مؤلف مرز کشورها و شهرها مشخص بوده است و قاضی حمیدالدین با مسافرت به بلاد مختلف هدف‌های خود را دنبال کرده است.



۲.۲.۲. چین:

«چون هنگامه عامه بگذاشت، عصا و انبان برداشت. ساعتی رای زدیم و در عالم معاملات دست و پای زدیم. چون از هم بازگشتیم، من در دریا نشستم و او به بیداء، من به چین رفتم و او به صیدا» (همان، ۱۳۸). چین یکی از دیگر کشورهایی است که طبق ذکر اطلاعاتی در مقامات، قاضی حمیدالدین به آنجا مسافرت کرده است و در این خصوص خود می نویسد: «من به چین رفتم و او به صیدا». آنچه مسلم می نماید اینکه بیشتر مسافرت های نویسنده مقامات با دوستش بوده است که می تواند یک دوست در همه سفرها یا چند دوست در چند سفر باشد. هر چند مسافرت در آن روزگار سخت بوده است و با وجود مشقت و سختی دیدن در راه و شهرها این مهم صورت می گرفته است، قاضی بلخ از مسافرت رفتن خسته نشده و در طول زندگی به شهرها و کشورهای گوناگونی مسافرت کرده و رنج سفر را به جان خریده است. کاری که ما حتی در عصر سرعت و تکنولوژی بنابر دلیل ها و مانع های مختلف قادر به آن نیستیم.

۳.۲.۲. آذربادگان:

«وقتی از اوقات به جمع آزادگان در بلاد آذربادگان می گشتم و بر حرای هر چمن و خضرای هر دمن می گذشتم» (همان، ۴۵).
۴.۲.۲. هند:

«بیدین نمط و نسق من الفلق الی الفسق در رفقه تازیان با جماعت غازیان می رلندم و قوارع قرآن مجید می خواندم تا به آمدوشد مسا و صباح و اختلاف غدو و رواح به ثغر دیار هند رسیدم» (همان، ۴۰). آذربایجان و هندوستان مقصدهای سیاحتی دیگر نویسنده مقامات حمیدی است. قاضی حمیدالدین در مقاماتش اشاره می کند که در طول سفر به هند قرآن می خوانده است و همان طور که اشاره می کند، با جمعی از دوستان به مسافرت می رفته است.

۵.۲.۲. مصر:

«تا سر حکمت و پند و زند و پازند بیش از آن است که از مصر تا به خجند سخن خابیده و سنجیده و ساخته و پرداخته بگوی تا تاوان دار و گرفتار نشوی» (همان، ۹۵).

هر چند قاضی بلخ در مقاماتش به مصر هم اشاره کرده است، هرگز ذکر نکرده که آیا به آن کشور سفر کرده است یا خیر. در واقع چند گونه شهر و کشور در مقامات آمده است؛ گونه ای که نویسنده اقرار می کند به آنجا با دوست یا دوستانی سفر کرده و شهرها و کشورهایی که فقط اسمی از آنها برده است؛ آن هم برای زینت نثر یا اغراض دیگر.

۶.۲.۲. فلسطین:

«کفشی که به چین گذاشته ای، به فلسطین می جویی و عسای که به سمرقند نهاده ای، به خجند می خواهی» (همان، ۱۱۴).

به نظر می رسد قاضی حمیدالدین به فلسطین مسافرت نکرده است؛ اما چون اسم آن را شنیده، چند جا در متن مقامات از آن نام برده است.

۷.۲.۲. شام و سوریه:



«از شام و دمشق تعویذ عشق از وی می‌ستانند و از مغرب تا یثرب شربت این ضربت از وی طلب می‌کنند» (همان، ۱۱۲).

«یا اَرْضِ بَلْخٍ و یا رَوْضَاتِ جَنَّتِ
و آینما سِرْتِ مِینِ شامٍ و مِینِ یَمَنِ
۸.۲.۲. عمان:

«راست چو مرا دید، لعل بدخشان به دُرِّ عمان سُبقت و بی آزرَم و شرم بگفت: شیخا، آتش دینه همچنان در زوایای سینه متمکن است» (همان، ۱۳۷).

۹.۲.۲. یمن:

«مردی‌ام که شعار غربت دارم و حق گُربت، از بلاد یمن و حجازم و در این دیار غریب و مجتازم» (همان، ۱۵۷).

و آینما سِرْتِ مِینِ شامٍ و مِینِ یَمَنِ
علی ثراک مدی الدنیا تحاتِ (همان، ۱۵۵).

«پرسیدم که این مجمع چیست بدین شکوهی و این حلقه کیست به این انبوهی و این دو پیر در چه کارند و از کدام دیار؟ گفتند: یکی طیبی است کرمانی و آن دیگر منجمی یونانی» (همان، ۱۸۱).

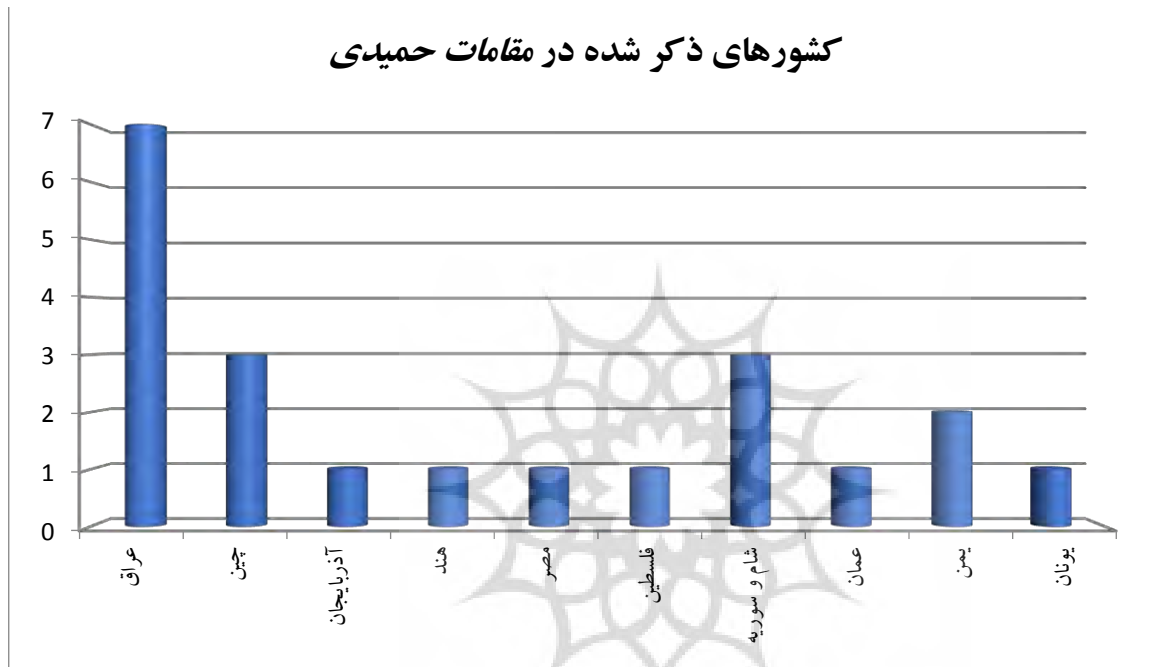
شام و سوریه، عمان، یمن، یونان، چین، عراق، هند و مصر از مکان‌ها و کشورهایی هستند که در متن مقامات از آن‌ها یاد شده است؛ اما مؤلف اشاره‌ای به سفر یا اقامت در آن کشورها نکرده است. می‌توان چنین استنباط کرد که چون مؤلف شخص تحصیل کرده و تأثیرگذاری در شهر بلخ بوده و در آنجا مقام قضاوت داشته است، با استناد به مطالعات فراوانی که در منابع کرده یا آنچه از دیگران درخصوص آن کشورها شنیده است، کوشیده با ذکر کشورها و مکان‌ها تا حدودی از خشکی مقامات بکاهد و آن را جذاب‌تر کند.

کشورهایی که نامشان در مقامات حمیدی ذکر شده است

ردیف	نام کشور	مرتبۀ تکرار
۱	عراق	۷
۲	چین	۳
۳	آذربایجان	۱
۴	هند	۱
۵	مصر	۱
۵	فلسطین	۱
۷	شام و سوریه	۳
۸	عمان	۱
۹	یمن	۲
۱۰	یونان	۱



جمع کل تکرار	۲۱
--------------	----



۳.۲. قومیت‌ها در مقامات حمیدی

مقامات حمیدی یکی از کتاب‌های فاخر است که نویسنده آن در صدد برآمده است تا علاوه بر نثر داستان‌گونه و شیرین و همین‌طور قالب نوشتاری جذاب، با پرداختن به نثر مسجع، تلخی نثر مصنوع و فنی را شیرین کند. یکی از جذابیت‌های افزون بر جنبه زیبایی اثر، پرداختن به اجتماع‌ها و قومیت‌هاست. در این اثر به تازیان، پارسیان، ترک‌ها، عرب‌ها و رومی‌ها اشاره شده است که تازیان بیشترین کاربرد و تکرار را در این اثر داشته است.

۱.۳.۲. تازیان:

«تنگ بر تازیان کردیم و رای قتال و عزم جنگ کردیم» (همان، ۴۱).

«اما معضلات و مشکلات، تازیان راست که لغات شمسو شرود و الفاظ وحشی نامحدود به کار دادند؛ چنان‌که شعر سپید و آعشی و باهلی که از جمله اشعار جاهلی است. باز مشکلات معضلات پارسیان است» (همان، ۵۸).

۲.۳.۲. پارسیان:

«پارسیان را به حکم تنگی عرصه لغت عجم دست ندهد و تازیان را به حکم کثرت آلت استعمال رنج برنهند» (همان، ۵۹).



«پس به کوی پارسیان و محلّت بلخیان آمد» (همان، ۱۲۴).

۳.۳.۲. ترک‌ها:

«پیراسته چون طرّه ترکان خرگهی وارسته چو چهره خوبان خلّخی» (همان، ۷۸).

۴.۳.۲. عرب‌ها:

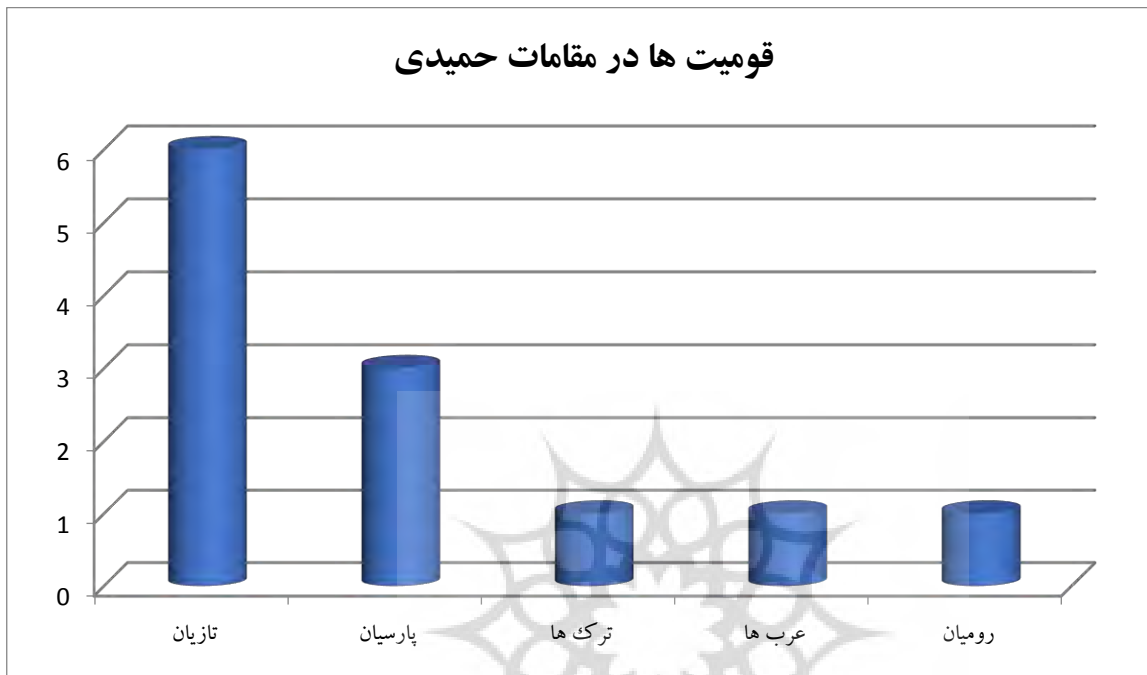
«پس عنان از عرب به عجم تافت و از لغت حلّه به کله شتافت» (همان، ۱۲۳).

۵.۳.۲. رومی‌ها:

«به صد لغت مختلف و اسامی نامؤتلف سخن مفهوم معلوم می‌داند که از هیچ عضوی دیگر آن خاصیت در وجود نیاید؛ چون لغت پارسی و تازی و طرازی و رازی و عبری و رومی» (همان، ۱۸۵). تازیان، پارسیان، ترک‌ها، عرب‌ها و رومی‌ها پنج قومیت با خلق و خوی مختلف‌اند که قاضی بلخ بدان اشاره کرده است. او از جنگ با تازیان (عرب‌ها) و مشکلات آن پرده برداشته است. قاضی حمیدالدین بلخی خودش را پارسی می‌داند و این نشان از گستردگی مرز جغرافیایی کشورمان در دوره‌های گذشته بوده است. قاضی بلخ ترک‌ها را به زیبایی ستوده است.

جدول قومیت‌ها در مقامات حمیدی

ردیف	نام قومیت	مرتبه تکرار
۱	تازیان	۵
۲	پارسیان	۳
۳	ترک‌ها	۱
۴	عرب‌ها	۱
۵	رومیان	۱
جمع کل قومیت‌ها		۱۲



۴.۲. موقعیت‌های جغرافیایی و رودها در مقامات

۱.۴.۲. مشرق و مغرب:

«به وقت آن که آفتاب منور بر چرخ مدور از گریبان مشرق به دامن مغرب رسید و کحل شب، سرمه ظلام در چشم روز کشید و مشک تاتار در غدار نهار دمید» (همان، ۵۵).

۲.۴.۲. بامداد:

«بامداد خبری دادند که صاحب طریقی کبودپوش دوش از اطراف اوش رمیده است و اصحابنا امروز به زیارت قدوم او مشغول‌اند و در ریاض اقبال و قبول‌اند» (همان، ۸۴).

۳.۴.۲. رود جیحون:

«راحة طلب از ادهم شب در آویختم و بساط هامون در نوشتم و از آب جیحون بگذشتم و با دل نژند روی به خجند نهادم» (همان، همانجا).

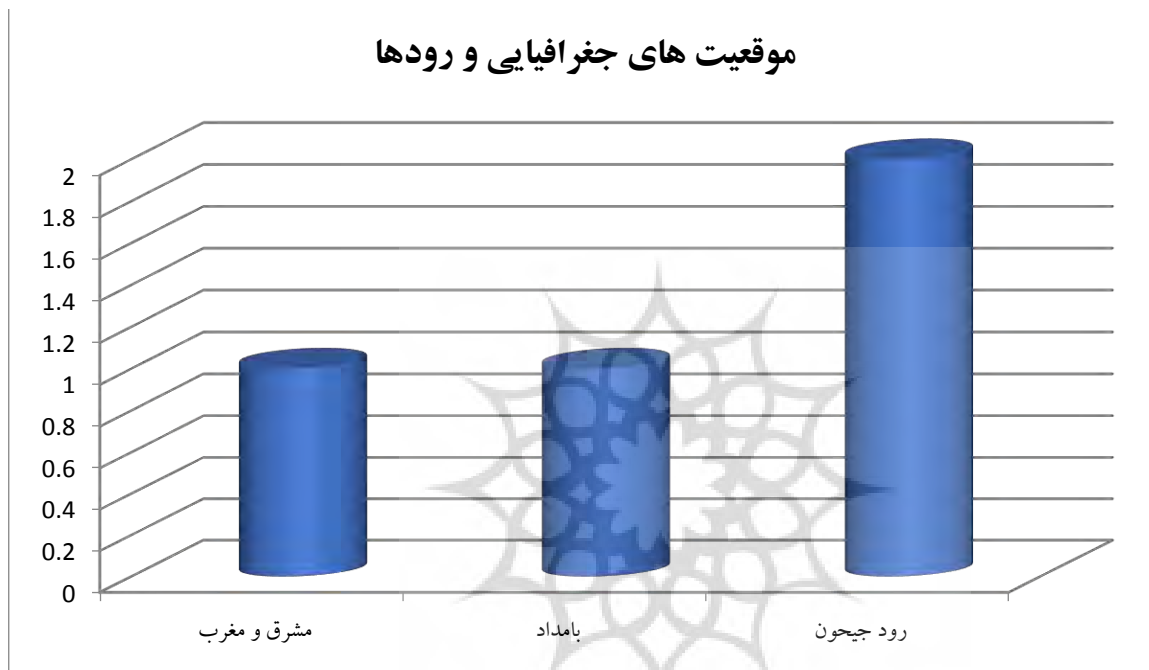
«چون دایره پرگار صدر رجال و صف نهال برابر بود و در آن حریم محدم چون بطحا و زمزم» (همان، ۵۵).

نمودار موقعیت‌های جغرافیایی و رودها

ردیف	موقعیت جغرافیایی و رودها	مرتبه تکرار
۱	مشرق و مغرب	۱
۲	بامداد	۱
۳	رود جیحون	۲



جمع کل تکرار	۴
--------------	---

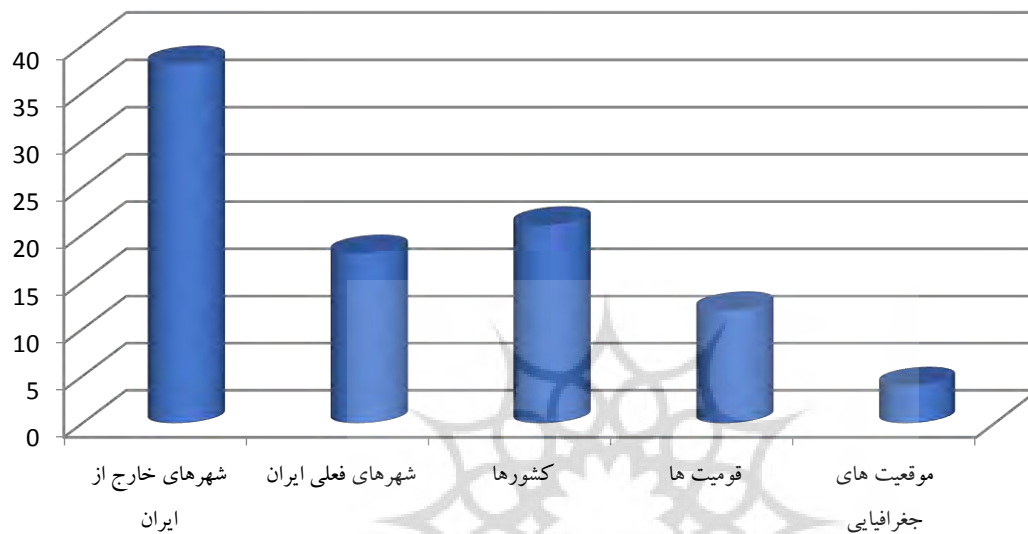


نمودار کلی شهرها، کشورها، قومیت ها و نقش جغرافیایی

ردیف	نام مکان	مرتبۀ تکرار
۱	شهرهای خارج از ایران	۳۸
۲	شهرهای فعلی ایران	۱۸
۳	کشورها	۲۱
۴	قومیت‌ها	۱۲
۵	موقعیت‌های جغرافیایی	۴
جمع کل تکرار		۹۳



نمودار کلی



مقامات حمیدی یکی از آثار فاخر ادبیات فارسی است که می‌توان آن را از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. یکی از این جنبه‌ها پرداختن به جغرافیا و استخراج اسم‌های قدیمی شهرها، مکان‌ها و کشورهاست. بعضی از شهرهای به‌کاررفته در این کتاب در ادبیات فارسی نقش نمادین دارند و بارها در متن‌های نظم و نثر بدان‌ها پرداخته شده است و نقش مهمی در پدیدارشدن آثار ادبی ایفا کرده‌اند. هرچند بعضی از آن شهرها هم‌اینک در حوزه جغرافیایی ما قرار نمی‌گیرند، چون در ادبیات فارسی ریشه دارند، به‌نوعی میراث ادبی و فرهنگی ما هم به حساب می‌آیند. آنچه در حوزه جغرافیا در مقامات حمیدی بدان اشاره شده است، شهرهایی چون بدخشان، بلخ و قندهار است که در ادبیات فارسی کاربرد دارند و همین‌طور کشورهای ایران که از نظر جغرافیای سیاسی در حال حاضر متحدان ایران‌اند و ذکر اسم آن کشورها در کتاب‌های قدیمی و فاخر ما پُراهمیت است. از آن کشورها می‌توان به فلسطین، سوریه، عراق و چین اشاره کرد که مرادفات سیاسی با کشور ما دارند و در گذشته نیز چنان مهم بوده‌اند که به آثار ادبی ما راه یافته‌اند. شهرهایی که در مقامات حمیدی بدان‌ها پرداخته شده است، بعضی مثل خراسان، دامغان، اصفهان، همدان، کرمان، کاشان، اهواز، طبرستان و نیشابور هم‌اینک در خاک ایران هستند. بعضی از آن‌ها تغییر اسم داده‌اند و بعضی دیگر با همان اسم‌ها از قدیم تا هم‌اکنون مانده‌اند. در این میان شهر کرمان که هم‌اکنون نیز با همین نام خوانده می‌شود، بیشترین تکرار را در بین شهرهای ایرانی به‌کاررفته در مقامات حمیدی دارد. نام بعضی از شهرها هم در مقامات حمیدی ذکر شده است که هم‌اینک در قلمرو جغرافیایی کشور نیستند؛ اما بعضی از آن‌ها در ادبیات ما شهرت دارند و در شعر شاعران و نثر نویسندگان به‌عنوان شهرهای شاخص در زمینه‌های فرهنگی و ادبی آن دوران از آنها یاد شده است. این شهرها عبارت‌اند از: بلخ، یثرب، طایف و حجاز، بدخشان،



کشمیر و قندهار و... که در بین شهرهای این دسته بلخ بیشترین تکرار را در کتاب *مقامات حمیدی* دارد؛ البته از آنجا که نویسنده کتاب اهل همان شهر بوده است، طبیعی است که بیشتر از آن شهر در متن *مقامات* یاد شود. علاوه بر ذکر نام شهرها، به بعضی از کشورها هم در *مقامات حمیدی* اشاره شده است که عبارت‌اند از: عراق، چین، آذربایجان، هند، مصر، فلسطین، سوریه، عمان، یمن و یونان که کشور عراق بیشترین تکرار را بین این کشورها دارد. *مقامات حمیدی* یکی از کتاب‌های فاخر است که نویسنده آن علاوه بر نثر داستان‌گونه و شیرین و همین‌طور قالب نوشتاری جذاب، در صدد برآمده است تا با پرداختن به نثر مسجع، تلخی نثر مصنوع و فنی را شیرین کند. یکی از جذابیت‌های افزون بر جنبه زیبایی اثر، پرداختن به اجتماع و قومیت‌هاست. در این اثر به تازیان، پارسیان، ترک‌ها، عرب‌ها و رومی‌ها اشاره شده است که بیشترین کاربرد و تکرار در میان قومیت‌های این اثر از آن تازیان است.

۳. نتیجه‌گیری

علاوه بر ذکر شهرها آنچه در کتاب *مقامات* به آن توجه ویژه شده است، پرداختن به طبیبان، پیران و روحانیون است. گویی قاضی حمیدالدین به مناسبت شغل خود ارتباط خوبی با پیران و گاه مصاحبت‌هایی نیز با آن‌ها داشته است که هر بار از آن پیروز و موفق بیرون آمده است. پرداختن به نجوم، طبابت، شیوخ و همین‌طور پیران عقلی و پیران سنی از مباحث‌های جذاب این کتاب است که قاضی حمیدالدین حتی در سفرهایش نیز به وجود این پیران و توانایی آن‌ها در درک مباحث‌ها اشاره کرده است. در واقع یکی از هدف‌های مؤلف از سفر به شهرها با توجه به شغل قضاوت، شرکت در جمع پیران بوده است؛ البته پیرانی که از نظر عقل، هوش و ذکاوت به مرتبه پختگی رسیده باشند و چه بسا با جوانان پیرعقل هم‌صحبتی و هم‌نشینی داشته است؛ چون ارزش عقل نسبت به سن در نگاه این نویسنده بیشتر جلوه کرده است.

به نظر می‌رسد، قاضی حمیدالدین بعد از سیروسفر در شهرها و کشورها کتاب *مقامات* را نوشته است. هر مقامه به موضوعی اختصاص دارد که از لابه‌لای آن در ۲۴ مقامه به شهرها و سیروسفر و گردش در آن بلاد اشاره کرده است؛ هرچند که موضوع اصلی کتاب این نیست. آنچه مسلم است قاضی حمیدالدین مانند سعدی همواره ایام در مسافرت و سیاحت نبوده و بیشتر عمرش را در قضاوت بلخ گذرانده است؛ اما در ایام جوانی و در پی کسب معرفت و تجربه سفرهایی به بلاد دیگر نیز کرده یا از وجود شهرهای علمی و غیرعلمی دیگر مطلع بوده است.

آنچه از سطور *مقامات* مشخص است، قاضی حمیدالدین به بعضی از شهرها با دوست یا دوستانی سفر کرده است. گاه رنج سفر کشیده و گاه در کمال طراوت و مسرت و شادی به شهرها رسیده و به توصیف زیبایی آن شهر و همین‌طور گفت‌وگوها با مشاهیر علمی، ادبی و مذهبی پرداخته است. گاهی نیز اسم بعضی از شهرها را برای سرگرمی و جلوگیری از یکنواختی متن و برای تنوع‌دادن به مطالب برای نگاه بهتر مخاطبان آورده است.



منابع

- ابوبکر عمر بن محمود بلخی، قاضی حمیدالدین، (۱۳۵۵) **مقامات حمیدی**، به تصحیح رضا انزایی نژاد، تهران، نشر دانشگاه.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۹۵) **تاریخ بیهقی** به کوشش خطیب رهبر، چ ۲۰، تهران، مهتاب.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰) **انواع نثر فارسی**، تهران، سمت.
- صادقی، ریحانه و احمد خواجه ایم (۱۳۹۹) «پژوهشی تازه در جلوه‌های تأثیرپذیری از آیات قرآنی در مقامات حمیدی»، **فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون**، دوره ۳، شماره ۲، صص ۴-۲۰.
- فرشاد، مهدی (۱۳۵۵). **تاریخ علم در ایران**، جلد اول، تهران، امیرکبیر.
- غنی زاده، ابوالفضل (۱۳۹۵) «بررسی و نقد ساختارگرایی حکایت عرفانی از مقامات حمیدی در تصوف»، **فصلنامه علمی پژوهشی عرفانیات در ادبیات فارسی**، شماره ۳۱ صص ۵۰-۵۸.
- میرصادقی، جمال (۱۳۵۷). **عناصر داستان**، تهران، شفا.





Investigating cities and countries in Hamidi Maqamat

  Sohrab saeidi¹,   Ziba ghalavandi²,   Omid roosta³

abstract

Hamidi's Maqamat is one of the technical prose books of Persian literature written by Qazi Hamiduddin in 6th century in 24 maqameh. One of the contents of this book that is noteworthy in this research is the mention of the names of countries and cities, although some of those cities and places have been renamed and others have been separated from our vast land. Therefore, the mention of the names of cities and countries and urban geography in this book is important in terms of the historical documents of our vast land. This research introduces the geographical locations mentioned in Hamidi's Maqamat using content analysis method and library tools. It should be said that geographical material in the Hamidi's Maqamat is less important than books such as Al-Masalek and Al-Mamalek, but paying attention to cities and countries, whether it is a foreign reality or the product of the artist's creative mind, is not without kindness. The main purpose of this article is to introduce the cities, countries and places mentioned in the Maqamat of Qazi Hamiduddin, since literary books in turn provide a suitable basis for analysis and analysis of different aspects of literary works. Surveys of this paper show that geographical locations such as Palestine, China, Syria and Iraq, which are politically important to our country today, have not been overlooked by the author.

Keywords: Hamidi Maqamat, cities, countries, urban geography, Qazi Hamiduddin

¹ . PH.D student of Persian language and literature, Selma Farsi University, Kazeroon, Kazeroon, Iran.// sohrab_minab@yahoo.com

² . Assistant Professor of Persian Language and Literature, Salman Farsi University, Kazeroon, Kazeroon , Iran. (**Corresponding author**)// ziba.ghalavandi@gmail.com

³ . Ph.D. in Persian language and literature, lecturer at Khajeh Nasir University, Tehran,Iran.// omidroosta.722@gmail.com